

Copyright Misuse under American and Iranian Law

Mohammad Ali Ansaripour¹

Hossein Baqerinia²

Received: 24/10/2018; Accepted: 21/01/2019

Abstract

Copyright misuse is an issue the ignorance of which and the absence of a law capable to deal with it can result in the vast misuses in the field of intellectual property in the future. The laws and regulations relating to intellectual property have not been paid attention appropriately in Iran. As an example, a reference can be made to the absence of any law as regards copyright misuse. Copyright misuse here means claiming copyright with respect to works that have entered the public domain. This article deals with the concept of copyright misuse, its examples, disadvantages of such a misuse, the ways for countering this phenomenon including imposing civil and criminal liability on and prosecuting the misuser by private and public individuals and additionally administrative measures to combat it. Consequently, the article concludes that the existing laws are not sufficient for addressing the problems resulting from such a phenomenon and the enactment of a new and comprehensive law in this respect or amendment of the existing laws being able to answer the problems raised from copyright misuse is necessary.

Key words: Copyright, Copyright Misuse, Copy Fraud, Public Domain.



1 . Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran (Corresponding Author); Email: maap@ut.ac.ir

2 . L. L. M in Law of Intellectual Property, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran

سوء استفاده از حق تألیف در حقوق آمریکا و ایران

محمدعلی انصاری پور^۱

تاریخ دریافت ۹۷/۰۸/۰۲ - تاریخ پذیرش ۹۷/۱۱/۰۱ حسین باقری نیا^۲

چکیده

سوء استفاده از حق تألیف موضوعی است که عدم توجه به آن و فقدان قانونی که بتواند با این پدیده مقابله کند می‌تواند در آینده منجر به سوء استفاده‌های گسترده در زمینه ی مالکیت فکری بشود. قوانین و مقررات مربوط به مالکیت فکری آن‌چنان که باید در ایران مورد توجه قرار نگرفته‌اند. از جمله می‌توان به فقدان مقرراتی در خصوص سوء استفاده از حق تألیف اشاره کرد. سوء استفاده از حق تألیف در این بحث عبارت است از ادعای داشتن مالکیت حق تألیف بر آثاری که وارد حوزه عمومی شده‌اند. در این مقاله مفهوم سوء استفاده از حق تألیف، مصادیق آن، عوارض و راه‌های مقابله با سوء استفاده از حق تألیف اعم از مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری و تعقیب سوء استفاده کننده توسط اشخاص خصوصی و عمومی به علاوه تمهیدات اداری برای مقابله با سوء استفاده از حق تألیف بررسی شده است و در نهایت به این نتیجه رسیده‌ایم که برای مشکلات ناشی از چنین پدیده‌ای قوانین موجود کافی نیستند و تصویب یک قانون جدید و جامع در این خصوص و یا اصلاح مقررات مربوطه که بتواند پاسخگوی مشکلات ناشی از سوء استفاده از حق تألیف باشد، ضروری است.

واژگان کلیدی: حق تألیف، سوء استفاده از حق تألیف، تقلب در حق تألیف، حوزه عمومی.



۱ دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ maap@ut.ac.ir

۲ کارشناس ارشد مالکیت فکری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.



مقدمه

مدت حمایت از حق تالیف در ایران مطابق ماده (۱۲) قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان^۱ مصوب ۱۳۴۸ (اصلاحی سال ۱۳۸۹) تا مدت ۵۰ سال پس از فوت پدید آورنده تغییر یافته است.^۲ در آمریکا نیز مدت حمایت ۷۰^۳ سال پس از فوت مؤلف است^۴ و تا زمانیکه این مدت سپری نشده است، عموم مردم برای استفاده از این آثار باید حق تالیف را بپردازند. تنها پس از گذشت این مدت است که می‌توان به صورت نامحدود از این آثار بهره‌مند شد چون پس از این مدت، آثار مذکور وارد حوزه عمومی می‌شوند.^۵ یکی از مسائل مهم و مربوط به استفاده از آثار ادبی و هنری پس از پایان یافتن مدت حمایت از حق تالیف، سوءاستفاده از این آثار است. عنوان سوء استفاده از حق تالیف، که در حقوق آمریکا مورد استفاده قرار گرفته، عبارت است از ادعای داشتن مالکیت حق تالیف نسبت به آثاری که وارد حوزه عمومی شده‌اند. این ادعا معمولاً همراه با تهدید علیه کسانی است که قصد بهره‌برداری از این آثار را دارند. (Mazzone, 2006: 1028)

۱ از این پس در این مقاله به اختصار «قانون حمایت» نامیده می‌شود.

۲ در ماده (۲۷) لایحه حمایت از مالکیت فکری ۱۳۹۳، مدت حمایت از اثر به طور کلی تا پنجاه سال پس از فوت مولف به رسمیت شناخته شده و برای آثار مختلف دیگر مدت حمایت مختلفی در نظر گرفته شده است. برای توضیح بیشتر به مواد ۲۸ تا ۳۲ و مواد ۶۰، ۶۵، ۶۷ و ۷۸ این لایحه رجوع شود.

۳ In general: Copyright in a work created on or after Jan. 1, 1978, subsists from its creation and, except as provided by the following subsections, endures for a term consisting of the life of the author and 70 years after the author's death. Article 302 (a) of Copyright Act 1976.

۴ این مدت حمایت مورد انتقاد برخی از نویسندگان قرار گرفته است. برای مثال رجوع کنید به: (Hamilton, 1994: 655)

۵ به اثری که پس از پایان مدت حمایت از حق تالیف در اختیار عموم مردم برای استفاده رایگان قرار می‌گیرد گفته می‌شود که وارد حوزه عمومی شده است و حوزه عمومی مفهومی مبهم و نامشخصی دارد (Lange, 2003: 463, 465). به علاوه حوزه عمومی در کشورهای مختلف دارای ابعادی نسبتاً متفاوت است. (Deazley, 2006: 101-106) یکی از حقوقدانان معاصر می‌گوید که حق تالیف یک مرجان کوچکی از حق خصوصی است که از اقیانوس حوزه عمومی سر برآورده است. (Torremance, 2007: 137)





از طرف دیگر، به رسمیت شناختن حوزه عمومی و حمایت از اشخاص خلاق ضروری است. اگر بناست که به خلاقیت در برابر توسعه و گسترش دکتین های مالکیت فکری، که به سرعت در حال رشد است، توجه شود، مالکیت فکری مانع خلاقیت هنرمندان می شود و گاهی یک ضد انگیزه قوی و واقعی نسبت به نتیجه ای است که قرار بوده مالکیت فکری به وجود بیاورد. حوزه عمومی یک مکان مناسب و امنی برای اشخاص خلاق است. یک مکان امن که از اشخاص خلاق در برابر فشارهای مالکیت خصوصی حمایت می کند. (Lange, 2003: 465-466)

این مقاله ضمن بررسی مفهوم سوء استفاده از حق تألیف و ابعاد مختلف آن، عوارض ناشی از چنین سوء استفاده و راههای مقابله با این پدیده را در حقوق آمریکا و حقوق داخلی مورد بحث و بررسی قرار می دهد.

۱. مصادیق سوء استفاده از حق تألیف

سوء استفاده از حق تألیف؛ که ظاهراً برای اولین بار (Twigg, 2012: 32,34;)
Shoor, 2014: 509) مازون آن را تقلب در حق تألیف می نامد،^۲ ممکن است در چهار حالت تحقق یابد که هر یک از آنها به طور جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد:

۱-۱. انتشار مجدد آثار وارد شده به حوزه عمومی با ادعای حق تألیف

انتشار مجدد آثاری که مدت حمایت شان سپری شده است^۳ به عنوان آثار دارای حق تألیف (Mazzone, 2006: 1038) یکی از انواع سوء استفاده از حق تألیف است. تفاوتی نمی کند که مدعی حق تألیف، مالک سابق حق تألیف باشد و یا فرد دیگری با انتشار مجدد اثر وارد شده به حوزه عمومی ادعای حق تألیف داشته باشد.

سه ویژگی اصلی قانون حمایت ۱۳۴۸ ایران عبارتند از:

1 . Copyright Misuse

۲ مازون به جای "سوء استفاده از حق تألیف" از عنوان "تقلب در حق تألیف" (fraud copy) استفاده کرده است (Mazzone, 2006: 1026-1100).

3 . Public Domain Republications





۱) اثر باید از راه «دانش یا هنر و یا ابتکار» به دست بیاید تا مورد حمایت باشد (ماده ۱ قانون حمایت)

۲) حق تألیف به صورت انحصاری برای پدیدآورنده است. (ماده ۳ همان قانون)

۳) مدت حمایت از حق تألیف محدود است (ماده ۱۲ اصلاحی ۱۳۸۹ همان قانون)

بنابراین، اگر کسی، برای مثال، اشعار حافظ و سعدی را استفاده و یا چاپ کند برای او حق تألیف به وجود نمی آید، به این دلیل که اولاً این اشعار متعلق به حافظ و سعدی است و ثانیاً مدت حمایت از این آثار سپری شده و استفاده از آن برای همگان آزاد است. علیرغم استدلال ذکر شده مشاهده می شود که ناشران بسیاری در هنگام چاپ آثار مربوط به حوزه عمومی اقدام به درج عباراتی نظیر «کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است» می کنند و توجهی به این امر ندارند که صرف چاپ مجدد برای آن‌ها حقی ایجاد نمی کند.

موضوع قابل بحث دیگر، در این قسمت این است که بر اساس استدلال‌های ذکر شده مالکیت آثار قدیمی (حتی اگر این آثار تاکنون منتشر نشده باشند) ایجاد حق تألیف نخواهد کرد، چراکه مدت حمایت در حال حاضر پنجاه سال پس از مرگ مؤلف است و چنانچه شخصی اقدام به انتشار چنین آثاری بنماید، هیچ حق تالیفی برای او ایجاد نخواهد شد.

به علاوه، ناشران آرای دادگاه‌ها و مجموعه های قوانین عبارات هشدار دهنده‌ای را در خصوص داشتن حق تألیف بر روی این مجموعه ها درج می کنند.^۲ چنین اشخاصی حق درج چنین عبارتی را ندارند، به این دلیل که آنها پدید آورنده قوانین نیستند تا حق انتشار قوانین به آنها اختصاص داشته باشد. لازم به ذکر است که اگر این مجموعه قوانین دارای ابتکار خاصی باشند، مثلاً با حاشیه نویسی و تفسیر همراه باشند یقیناً توسط قانون حمایت قابلیت برخورداری از حمایت را خواهند داشت، ولی این حمایت صرفاً برای این ابتکارات است و نه خود قانون.

۱ در ماده ۵ لایحه حمایت از مالکیت فکری به صراحت بیان شده است که اخبار و رویدادها، فکر محض، متون قوانین و مقررات عمومی، متون رسمی، متون قضایی، سخنرانی های سیاسی و ترجمه آنها مورد حمایت قرار نمی گیرند.
۲. برای مثال، مجموعه قوانینی که توسط انتشارات ریاست جمهوری چاپ تدوین، تنقیح و انتشار قوانین معاونت حقوقی ریاست جمهوری محفوظ است».





در نتیجه می توان گفت که انتشار آثار وارد شده به حوزه عمومی با ادعای حق تألیف نسبت به آن از مصادیق بارز سوء استفاده از حق تألیف است.

۲-۱. اعمال محدودیت فرا قانونی^۱

اعمال محدودیتی فراتر از آنچه قانون به دارنده حق تألیف اعطا کرده است یکی دیگر از مصادیق سوء استفاده از حق تألیف است (Mazzone, 2006: 1047). آهنگامی که سوء استفاده کننده حتی حق نسخه برداری جزئی^۳ و استفاده منصفانه^۴ از اثر را که قانون گذار برای همه آزاد دانسته از دیگران سلب می کند، اعمال محدودیت فرا قانونی تحقق می یابد. بر اساس ماده (۷) قانون حمایت «نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آنها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ و با ذکر مأخذ در حدود متعارف مجاز است».

نسخه برداری مورد حمایت را می توان در یک پرونده آمریکایی که در سال ۱۹۹۷ مطرح شد،^۵ مشاهده نمود. نظر قضات در این پرونده این بود که نسخه برداری غیر مجاز و قابل پیگرد زمانی تحقق می یابد که شباهت بسیار بین اثر اصلی و اثر نسخه برداری شده وجود داشته باشد. این شباهت بسیار با دو معیار کیفی و کمی مشخص می شود. معیار کیفی یعنی نسخه برداری از عبارات اثر اصلی و نه ایده های آن. معیار کمی نیز به مقدار نسخه برداری شده ارتباط دارد و به این معناست که نسخه برداری از اثر اصلی جزئی نباشد. دو تن از نویسندگان آمریکایی در یکی از مقالات خود مواردی را مثال می زنند که در آنها صاحبان حق تألیف و وکلای آنها، استفاده منصفانه از اثر را نقض حق دانسته و برای جلوگیری از آن اقامه دعوی کرده اند. این دو نویسنده برای مقابله با اقدامات این دسته از



1 . The Spillover of De Minimis Copying and Fair Use

۲. مثالی که می توان برای این مورد زد ممانعت از استفاده منصفانه یا Fair use و همین طور استفاده های آموزشی غیرانتفاعی و یا گزارش خبری است. برای مثال، به پرونده (Princeton University Press v. Michigan Document Service, Inc. 1996) که در آمریکا مورد رسیدگی قرار گرفته، رجوع کنید.

3 . De Minimis Copying.

4 . Fair Use.

5 . Ringgold v. Black Entertainment Television, Inc.

6 . Vaver, Principles of Copyright: Cases and Materials, 2002:14, 20, 24, 76,107, 142.



افراد نظریه سوءاستفاده از حق تألیف را پیشنهاد می‌کنند. (Patry and Posner,2004:1654-1659)

۳-۱. ادعای مالکیت حق تألیف به خاطر مالکیت نسخه‌ها یا آرشوها^۱

یکی دیگر از مصادیق سوء استفاده از حق تألیف ادعای مالکیت حق تألیف از طرف مالک مجموعه‌ها و آرشوهایی است که وارد حوزه عمومی شده‌اند (Mazzone,2006:1052). داشتن مالکیت فیزیکی یک اثر باعث نمی‌شود که مالک آن بتواند ادعای حق تألیف نسبت به آن اثر داشته باشد.

یکی از بارزترین نوع سوء استفاده از حق تألیف که به ذهن می‌رسد، این است که صاحب یک آرشو نسخه قدیمی که مدت حمایتشان سپری و وارد حوزه عمومی شده است، اقدام به انتشار آنها همراه با هشدار نسبت به انحصاری بودن حقوق خود کند و یا در قراردادهای بهره‌برداری که با دیگران منعقد می‌کند، اقدام به دریافت مبلغی برای اعطای حق بهره‌برداری بنماید (Mazzone,2006:1055-1056). چنین هشدارهایی و چنین قراردادهایی، ایجاد حق تألیف نخواهد کرد.

۴-۱. تغییر شکل اثر^۲

آخرین نوع سوء استفاده از حق تألیف درج علامت کپی رایت بر روی آثار ادبی و هنری وارد شده به حوزه عمومی است که تغییر شکل یافته و سپس منتشر شده‌اند، مانند تبدیل روزنامه‌ها و سایر اسناد قدیمی به میکروفیلم و یا به صورت دیجیتالی در آوردن^۳. میکروفیلم یا اسکن کردن روزنامه‌های قدیمی ابتکار و خلاقیت نیست و مانند فتوکپی ایجاد حق تألیف نمی‌کند. (Mazzone,2006:1044-1045).

همین طور اگر ناشری شاهنامه فردوسی و یا دیوان حافظ را دیجیتالی کرده و به صورت آنلاین و یا بر روی حامل‌های صوتی-تصویری برای فروش قرار دهد، حق تألیفی برای او

1 . Archives and Public Domain Collections.

۲ لازم به ذکر است که مازون این مورد از سوء استفاده از حق تألیف را به صورت صریح ذکر نکرده است و این مصداق در ضمن بحث ایشان مطرح گردیده است.

۳ در تبصره ۱ ماده (۳) لایحه حمایت از مالکیت فکری دیجیتالی کردن آثار و اطلاعات مشمول حمایت قرار نمی‌گیرند.





ایجاد نخواهد شد، چراکه مدت حمایت این آثار پایان یافته و از طرفی تغییر شکل یک اثر توسط ناشر بدون اینکه او مؤلف اصلی اثر و یا دارای حق نشر باشد برای او حتی ایجاد نخواهد کرد.

با این حال، چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، اگر دیوان حافظ و یا شاهنامه فردوسی با نقوش و طراحی زیبا و خلاقانه به چاپ برسد، این نقوش و طرح ها قابل حمایت خواهند بود ولی این حمایت به اشعار دیوان حافظ و یا شاهنامه تسری پیدا نمی کند.

دعوی مختلفی در دادگاه های آمریکا در ارتباط با این موضوع اقامه شده و در مورد آنها حکم صادر شده است. دعوی آرشیو موسیقی تامس ویت مارک علیه شرکت نیو اپرا^۱ یکی از این دعوی است. در این دعوی که در سال ۱۹۴۸ اقامه و منجر به صدور حکم شده است، شرکت سینمایی نیو اپرا حق اجرای یک نمایشنامه اپرا را به ارزش نزدیک به پنجاه هزار دلار در سال ۱۹۴۳ از خواهان دریافت می کند. در یک قرارداد دیگر در سال ۱۹۴۴ مبلغ هزار دلار پیش پرداخت برای نمایش همان نمایشنامه پرداخت می کند. وقتی خواهان برای وصول بخشی از مبلغ قرارداد سال ۱۹۴۴ اقامه دعوا می کند، خوانده در یک دعوی متقابل خواستار استرداد بیش از ۵۰ هزار دلار از خواهان می شود به این استدلال که قرارداد بدون عوض بوده چون نمایشنامه مورد معامله وارد حوزه عمومی شده است. دادگاه بدوی در رأی خود شرکت بهره بردار را مستحق مطالبه و استرداد مبالغی که به شرکت صاحب نمایشنامه پرداخت کرده بود دانست و دادگاه تجدیدنظر نیز ضمن ابرام رأی در مورد قرارداد دوم، دستور داد که در مورد قرارداد اول رسیدگی مجدد صورت گیرد.

در موارد مذکور در بالا، فرد سعی دارد تا از ناآگاهی دیگران نسبت به حق مسلم خودشان که استفاده رایگان و بدون محدودیت از اثر ادبی و هنری وارد شده به حوزه عمومی است، سوء استفاده کرده و او را مجبور به پرداخت وجهی کند که به هیچ وجه



1 . Tams-Witmark Music Library v. New Opera Company (1948).

2 . Consideration.



موظف به پرداخت آن نیست (Mazzone, 2006: 1028). این نوع سوء استفاده ممکن است در کشور ما نیز اتفاق بیفتد گرچه با تلاشی که شد رایی در این خصوص به دست نیامد.

۲. عوارض سوء استفاده از حق تألیف

سوء استفاده از حق تألیف از جمله مسائلی است که در صورت ریشه گرفتن در جامعه، عوارض نامطلوبی از خود بر جای خواهد گذاشت. گرچه این عوارض را نویسندگان آمریکایی مطرح کرده اند اما اکثر آنها محدود به آن کشور نمی شود بلکه می تواند در کشور ما نیز تحقق یابد. بعضی از این عوارض به شرح زیر است:

۱-۲. تحمیل هزینه بر مشتریان

یکی از عوارض سوء استفاده از حق تألیف تحمیل هزینه های مالی بر مشتریان است. انگیزه های اقتصادی باعث می شود که، برای مثال، ناشران و فیلمسازان نسبت به منابع و فیلم ها ادعای حق تألیف داشته باشند (Shoor, 2014: 509-510). هدف از حق تألیف این نیست که ناشران از افراد عادی سود برده و آنها را وادار به پرداخت وجه برای استفاده از منابعی بکنند که در حوزه عمومی قرار دارد (Mazzone, 2006: 1060, 1074).

۲-۲. نادیده گرفتن اهداف حق تألیف

یکی از عوارض سوء استفاده از حق تألیف نادیده گرفتن و از بین بردن اهدافی است که در حمایت از حق تألیف نهفته است. در یک پرونده آمریکایی دادگاه به اهداف قانون حق تألیف اشاره نموده و می گوید که هدف این قانون ارتقاء و حمایت از خلاقیت است و در بخش دیگری از رای می گوید که قانون حق تألیف به دنبال افزایش انباشت و ذخیره دانش و هنر بشری از طریق دادن حقوق انحصاری به مولفین نسبت به کارشان برای مدت محدود است.^۱ در پرونده دیگری^۲ آمده است که اعطای امتیازهای انحصاری به مولف نه غیر محدود است و نه اساساً به این منظور بوده که یک منفعت شخصی ویژه ای را ارائه دهد. بلکه این اعطاء محدود یک وسیله ای است که از طریق آن ممکن است یک هدف

1 . Alcatel USA, Inc. v. DGI Technologies, Inc. (1999)
2 . Sony Corporations v. Universal City Studios {1984}.





عمومی مهم به دست آید. این اعطای امتیاز به منظور ایجاد انگیزه برای فعالیت خلاقانه مولفین و مخترعین، از طریق ارائه یک پاداش خاص به آنها، و اجازه به عموم مردم که به تولیدات آنها بعد از این که دوره محدود کنترل انحصاری به پایان می رسد، دسترسی داشته باشند، بوده است.

در دعوی شرکت موسیقی قرن بیستم علیه آیکن^۱ نیز آمده است که کار خلاقانه باید تشویق و پاداش داده شود، اما انگیزه های شخصی باید در نهایت در جهت خدمت به افزایش و ارتقاء دسترسی وسیع عموم مردم به ادبیات، موزیک و سایر هنرها باشد. اثر فوری قانون حق تالیف این است که یک در آمد منصفانه برای کار خلاقانه مولف تامین کند. اما هدف نهایی، از طریق این انگیزه مادی، این است که به توسعه خلاقیت هنری برای منفعت عموم مردم منجر شود.

ولی با اعمال ناروایی که سوء استفاده کنندگان از حق تالیف صورت می دهند، در رسیدن به این اهداف مانع ایجاد می شود.

۲-۳. تعارض با رفاه عمومی

اعطای حق تالیف برای بالا بردن رفاه عمومی است. همان طور که در پرونده میزر علیه استاین^۲ آمده است، فلسفه اقتصادی برای اعطای حق تالیف این اعتقاد بوده است که حمایت از تلاشهای شخصی از طریق بدست آوردن عواید و منافع آن تلاشها بهترین راه برای ارتقاء رفاه عمومی از مسیر استعدادهای مولفین و مخترعین در علم و هنر است. ولی در سوء استفاده از حق تالیف، این فلسفه اقتصادی وجود ندارد. در این جا درآمد و عواید برای سوء استفاده کننده وجود دارد اما هیچ کار علمی یا هنری صورت نمی گیرد.

۳. روش های مقابله با سوء استفاده از حق تالیف

پس از بررسی مفهوم سوء استفاده از حق تالیف و روش های مختلفی که سوء استفاده کننده می تواند برای خود کسب منفعت کند و باعث ورود ضرر و زیان به دیگران شود و



1 . Twentieth Century Music Corp. v. Aiken (1975)
2 . Mazer v. Stein (1954)



همین‌طور عوارض ناگواری که این اقدامات می‌تواند برای جامعه به‌طور عام و محققان به صورت خاص داشته باشد، پیش‌بینی راه‌کارهایی از جمله مسئولیت مدنی برای سوء استفاده کننده و تکلیف او به جبران ضرروزیان وارد به استفاده کننده از آثار حوزه عمومی از طریق پرداخت خسارت، مسئولیت کیفری، برخورد مقامات عمومی و تمهیدات اداری برای مقابله با این پدیده ضروری است.

۳-۱. دفاع سوءاستفاده از حق تألیف

در حقوق آمریکا مطابق قانون حق تألیف، مالک حق تألیف حقوقی انحصاری دارد و هر گونه اقدامی از طرف اشخاص دیگر که در تعارض با این حقوق باشد، نقض آن حقوق محسوب می‌شود (Garner, 2004: 796). در مقابل، اگر خواهان دعوی را علیه شخصی دائر بر نقض حق تألیف اقامه کرد، یکی از دفاعهایی که خواننده می‌تواند مطرح کند این است که خواهان از حق خود در جهت محدود نموده کسب و کار استفاده کرده و یا این که اقدام او مخالف نظم عمومی است (Garner, 2004: 362). بنابراین دکتترین سوءاستفاده از حق تألیف دفاعی است که می‌توان از آن در مقابل ادعای تجاوز به حق تألیف و در مقابل مدعی حق تألیف مبنی بر نقض حقی در دادگاه مورد استفاده قرار داد (Frischmann, 2000: 867-870). به عبارت دیگر، در صورت اثبات این امر که مدعی حق تألیف از این حق سوءاستفاده کرده است دادگاه بدون توجه به سایر دلایلی که مورد استناد قرار می‌گیرد به بی‌حقی خواهان رأی می‌دهد.

بر اساس آنچه در کامن لو در خصوص سوءاستفاده از حق تألیف رایج شده است، چنین سوءاستفاده‌ای به دو صورت می‌تواند رخ دهد که یک صورت آن که به این بحث مربوط می‌شود این است که صاحب حق تألیف به گسترش حقوق انحصاری خود ورای آن چیزی که قانون‌گذار به او اعطاء کرده است اقدام کند (Judge, 2004: 903-904). این نظریه در قیاس با نظریه سوءاستفاده از حق اختراع ایجاد شده که در مورد اخیر سوء استفاده از حق اختراع عبارت است از تسری نادرست حق انحصاری اعطایی به کالاهایی





که تحت پوشش حق اختراع نبوده و یا قوانین ضد محدودیت و ضد انحصار را نقض می کند (Garner, 2004: 1023).

در سال ۱۹۴۲ دیوان عالی آمریکا که دفاع سوءاستفاده از حق اختراع را بنیان نهاد در دعوی شرکت مورتون سالت علیه جی. اس. سوپریور^۱ این گونه اظهار نظر کرد: "زمانیکه حق اختراع به عنوان ابزاری برای محدود ساختن رقابت تجاری (مثلاً با فروش یک کالا که از حمایت برخوردار نیست، همراه با کالای دارای حمایت حق اختراع) مورد استفاده قرار گیرد، از موفقیت صاحب حق اختراع در این پرونده جلوگیری به عمل خواهد آمد، حتی هنگامی که حق او مورد نقض واقع شده است. این جلوگیری تا زمانیکه اعمال نادرست مخترع و عواقب سوء این اعمال وجود دارد ادامه خواهد داشت."

پس از این پرونده و رأی صادره در آن بود که محققان به فکر استفاده از این رویه در مورد حق تألیف افتادند. در سال ۱۹۹۰ یکی از دادگاههای آمریکای پرونده لیزر کامب علیه رینولدز^۲ دفاع سوءاستفاده از حق تألیف را به رسمیت شناخت. در این پرونده یک شرکت توسعه دهنده نرم افزارهای رایانه‌ای (لیزر کامب)، دعوی نقض حق تألیف از طریق کپی برداری را علیه خواننده اقامه کرد. دادگاه در رای خود این گونه استدلال نموده که همان طور که دفاع سوءاستفاده از حق اختراع ذاتاً در قانون حمایت از حق اختراع وجود دارد، دفاع سوء استفاده از حق تألیف نیز در قانون حمایت از حق تألیف وجود دارد. چون حق تألیف و حق اختراع منافع عمومی مشابهی را تعقیب می کنند و دفاع سوء استفاده باید به نقض هر یک از دو حق اعمال شود. هر دو قانون به دنبال افزایش و ذخیره دانش و هنر از طریق دادن حق انحصاری به مخترع و مولف به خاطر کارشان برای مدت محدود هستند. همزمان این حق انحصاری به اموالی که با حق اختراع و حق تألیف تحت پوشش قرار نمی گیرند، نباید تسری داده شود.^۴



1 . Morton Salt Co. v. G.S.Superior Co (1942)
2 . The Fourth Circuit
3 . Lasercomb America Inc. v. Reynolds (1990)
4 . Ibid



دادگاه در ادامه با بیان اینکه اگر حق تألیف سیاست کلی که در اعطای این حمایت نهفته است را نقض کند و به نحوی مورد استفاده قرار بگیرد که رقابت تجاری را خدشه‌دار سازد، دفاع سوء استفاده از حق تألیف قابل اعمال است. با در نظر گرفتن این مقدمه است که دادگاه این گونه رأی داد که قرارداد بهره‌برداری خواهان دارای شروط ضد رقابتی بسیاری است و همین امر باعث می‌شود که دفاع سوء استفاده از حق تألیف پذیرفته شده و نسبت به بی حقی خواهان رأی صادر شود. پس از این پرونده بود که این نظریه توسط بسیاری از دادگاه‌های دیگر نیز پذیرفته شد.

در پرونده‌ای ادر سال ۱۹۹۹، دادگاه سوء استفاده از حق تألیف را احراز و تایید کرد. در این پرونده قرارداد بهره‌برداری خواهان برای استفاده از یک نرم افزار رایانه‌ای شامل محدودیت‌هایی از جمله ممنوعیت استفاده از این نرم افزار بر روی تجهیزاتی بود که سایر شرکت‌ها تولید می‌کردند. در اینجا هم به این دلیل که از حق تألیف در جهت نامطلوب سوء استفاده شده بود نیز دفاع سوء استفاده از حق تألیف پذیرفته شد.

مثال‌هایی هم چون پرونده بالا در آمریکا نسبتاً زیاد است. ولی آنچه حائز اهمیت است، این است که استفاده از این روش می‌تواند به عنوان دفاع خوبی در برابر سوء استفاده کنندگان از حق تألیف باشد، کسانی که به صورت نادرست اقدام به گسترش محدوده حق تألیف می‌کنند.

در قانون حمایت ۱۳۴۸ راجع به این دفاع حکمی وجود ندارد. در قوانین دیگر و یا رویه قضایی نیز به صورت مشخص مطلبی در این خصوص دیده نمی‌شود. بنابراین، با توجه به اصل (۱۶۷) قانون اساسی و ماده (۳) آئین دادرسی مدنی، باید سراغ منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر رفت. به نظر می‌رسد که در سه مورد اخیر از مصادیق سوء استفاده از حق تألیف، که قبلاً به آن اشاره شد، بتوان به دفاعیه سوء استفاده از حق تألیف استناد کرد. در مورد مصداق اول نیز سوء استفاده کننده از منابع حوزه عمومی سوء استفاده می‌کند. با این وصف، خواننده می‌تواند با استناد به قاعده لاضرر، در برابر این سوء استفاده، از



1 . Alcatel USA Inc. v. DGI Technologies Inc. (1999)



عمل خود دفاع کند. به بیان دیگر، هر کسی می تواند از اثری که وارد حوزه عمومی شده به صورت رایگان استفاده کند. بنابراین، مالک سابق حق تالیف و یا دیگران نمی توانند با انتشار مجدد اثر وارد شده به حوزه عمومی، مدعی مالکیت حق تالیف نسبت به آن بشوند و از این طریق به دیگران ضرر و زیان وارد سازند. روایات متعددی در خصوص غیر مشروع بودن اضرار به مسلمین وارد شده^۱ و در فقه نیز منفی بودن اضرار به غیر یک امر مسلم در شرع تلقی شده است (خلخالی، ۱۳۷۶: ۱۸۱-۱۷۵). بعضی از فقها به صورت کلی اعتقاد دارند که آن چه توسط قاعده لاضرر نفی شده خود ضرر و ضرار است و نه صرفاً احکامی که منشاء ضرر هستند (مکارم، ۱۳۹۳: ۷۲-۶۰). مطابق این نظر، تردیدی وجود ندارد که ادعای مالکیت حق تالیف نسبت به اثری که وارد حوزه عمومی شده و مطالبه وجه بابت آن از مصادیق بارز اضرار به غیر است که مشمول قاعده لاضرر قرار می شود.

اما نقص دفاع سوء استفاده از حق تالیف این است که این دفاع فقط خواننده را از مسئولیت می رهااند. به علاوه، موفقیت این دفاع در تمامی دعاوی روشن نیست (Mazzone, 2006: 1089) و استفاده از این دکترین بار مالی و یا تنبیه کیفری خاصی را بر سوء استفاده کننده تحمیل نمی کند.

۳-۲. بطلان معامله و استرداد مبلغ پرداخت شده

وقتی گیرنده مجوز وجهی را به اعطا کننده مجوز می پردازد و اعطا کننده به اشتباه خود را مالک حق تالیف اثر مورد معامله معرفی می کند، شخص متضرر می تواند براساس حقوق قراردادهای دعوایی را در خصوص نقض قرارداد (که عبارت از نقض شرط ضمنی تضمین مالکیت انتقال دهنده نسبت به حق تالیف است) اقامه کند و اثبات کند که قرارداد به خاطر فقدان عوض^۲ باطل است (Mazzone, 2006: 1094) و استرداد مبلغ پرداختی را مطالبه کند.



۱ برای نمونه رجوع شود به: سید مرتضی خلخالی، قاعده لاضرر ولا ضرار: تقریر ابحاث المحقق الکبیر الشیخ ضیاء الدین العراقی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶: ۱۰۲-۹۹.

۲ . Consideration



در حقوق ایران با استفاده از مبنای مواد (۳۶۶)، (۳۹۱) و (۳۹۲) قانون مدنی، که راجع به ضمان درک مبیع (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۲۲۷-۲۲۱) و از فقه گرفته شده است (نجفی، جواهر الکلام: ۲۶۰-۲۵۶ و ۳۰۱)، و به سبب این که اثر مورد معامله وارد حوزه عمومی شده است، می توان گفت که چون سوء استفاده کننده از حق تالیف مالک آن نیست باید پولی را که از بهره بردار بدست آورده به او مسترد نماید.

۳-۳. مسئولیت مدنی

در سوء استفاده از حق تالیف، سوء استفاده کننده به ناحق به دیگران وانمود می کند که دارای حق تالیف است و باید برای استفاده از اثر، به او مبالغی پرداخت شود. مبالغی که نه تنها او، که مؤلف اصلی اثر نیز به دلیل پایان یافتن مدت حمایت استحقاق آنرا ندارد. (Mazzone, 2006: 1094).

بنابراین، کسی که از طریق سوء استفاده از حق تالیف کسب منفعت کند از نظر مدنی مسئول شناخته شده و باید نسبت به رد مالی که از این طریق بدست آورده به علاوه جبران ضرروزیان وارده به صاحب آن اقدام نماید. بعضی از نویسندگان آمریکایی گفته اند که در قانون حق تالیف آمریکا ماده ای راجع به مسئولیت مدنی وجود ندارد (Mazzone, 2006: 1071-1073; Shoor, 2014: 510) و پیشنهاد شده که قانون مذکور اصلاح شود (Mazzone, 2006: 1071-1073).

مبانی دیگری نیز مانند ضرروزیان ناشی از اعتماد (Mazzone, 2006: 1073-1074) می تواند به عنوان مبنا برای مطالبه ضرروزیان وارده مورد استناد قرار گیرد.

در قانون حمایت ۱۳۴۸ نیز به مسئولیت مدنی سوء استفاده کننده اشاره ای نشده است اما در حقوق ایران و فقه بر اساس مهمترین و روشترین مبانی که در زیر به آنها اشاره می شود، می توان علیه سوء استفاده کننده اقامه دعوا نمود و جبران ضرروزیان وارده را مطالبه نمود.



۳-۳-۱. ایفای ناروا^۱



در بحث مصادیق سوء استفاده از حق تألیف روشن شد که سوء استفاده کننده قصد بهره برداری از اثری را دارد که وارد حوزه عمومی شده است، اثری که همگان در استفاده رایگان از آن مجازند. اگر سوء استفاده کننده با استفاده از ناآگاهی دیگران، خود را صاحب حق تألیف معرفی کند و دیگران، به این گمان که او دارای حق تألیف است، اقدام به پرداخت مبالغی به سوء استفاده کننده کنند، آنها می توانند مبالغ پرداخت شده را استرداد نمایند.

بعضی از نویسندگان ایفای دین را به سه بخش تادیه دینی که وجود نداشته است (ماده ۲۶۵)، تادیه دین به غیر دائن (ماده ۳۰۱) و تادیه دین به وسیله غیر مدیون (۳۰۲) تقسیم کرده اند (امامی، ۱۳۵۱: ۳۵۶-۳۵۵). بعضی نویسندگان دیگر شرایط ایفای ناروا را ایفای مال، فقدان دین (شامل عدم وجود دین، مدیون نبودن ایفا کننده و داین نبودن دریافت کننده) به علاوه اشتباه مؤدی ذکر کرده اند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۰).

در مفهوم ایفای ناروا عدم وجود دین مفروض است. وفای به دین زمانی معنا پیدا می کند که دینی وجود داشته باشد. پس اگر شخصی با این گمان که به دیگری مدیون است مالی به او بدهد، می تواند آن را استرداد نماید (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۴۲۹). از طرف دیگر برای تحقق ایفای ناروا باید پرداخت ناروا باشد. به عبارت دیگر دینی وجود نداشته باشد، زیرا تنها در این صورت است که پرداخت ناروا می شود و تملک بدون سبب می ماند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۴۳۶).^۲

در سوء استفاده از حق تألیف، پرداخت کننده وجه کسی است که در استفاده رایگان از اثر مجاز است و سوء استفاده کننده مبالغی را دریافت می کند که مستحق آن نیست. بنابراین، پرداخت کننده می تواند استرداد آن را بخواهد.



۱ بعضی از اساتید ایفای ناروا را از مصادیق دارا شدن غیر عادلانه محسوب نموده اند. (امامی، ۱۳۵۱: ۳۵۵)

۲ برای توضیح بیشتر در مورد ایفای ناروا رجوع کنید به (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۴۴۵-۴۲۹).



۳-۳-۲. اکل مال به باطل و دارا شدن غیر عادلانه

بعضی از اساتید این دو عنوان را یکی دانسته اند (امامی، ۱۳۵۱: ۳۵۳). برای دارا شدن عادلانه شرایطی ذکر شده است که عبارتند از دارا شدن، کاستن از دارایی دیگری و رابطه میان دارا شدن و کاهش دارایی دیگری (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۴۱۱-۴۰۹؛ امامی، ۱۳۵۱: ۳۵۴؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۵۶-۵۴) اکل مال به باطل از قرآن کریم گرفته شده است که می فرماید: اموالتان را در میان خود به باطل نخورید! در دو کتاب لغت راجع به قرآن و روایات، باطل خلاف و نقیض حق معنی شده است (طریحی، بی تا: ۳۲۲؛ اصفهانی، ۱۴۲۹: ۱۲۹). در تفسیر صافی آمده است که مال دیگران را به طریقی که حلال نیست و خداوند آن را تشریح نکرده است نخورید (کاشانی، ۱۳۹۳: ۱۵۷) در تفسیرالمیزان اکل به اخذ یا مطلق تصرفات بدون حق معنی شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۲). در یکی از تفاسیر نیز در معنای باطل گفته شده است که، مطابق آیه ۱۸۸ سوره بقره، هر گونه تصرف در اموال دیگران از غیر طریق صحیح و به ناحق مشمول نهی الهی مندرج در آیه مذکور است و تمام معاملاتی که هدف صحیحی را تعقیب نمی کند و پایه و اساس عقلایی ندارد مشمول این آیه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۶۸). بعضی از فقها گفته اند که استثناء موجود در آیه، که فقط تجارت مبتنی بر تراضی را صحیح می داند، مفید آن است که متصرف باید مالک مالی باشد که در آن تصرف می کند و الا آن تصرف، تصرفی باطل است (انصاری، ۱۴۲۵: ۵۵؛ مراغی، ۱۴۱۸: ۳۷۱).

سوء استفاده کننده از حق تالیف از آثاری بهره برداری می کند که استفاده از آن برای همگان رایگان است (ماده ۲۶ قانون حمایت). بنابراین، اگر سوء استفاده کننده مبلغی را از دیگران، بابت استفاده از آثار وارد شده به حوزه عمومی، دریافت کند، عمل او از مصادیق اکل مال به باطل و دارا شدن غیر عادلانه خواهد بود.



۱ و لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل (آیه ۱۸۸ سوره بقره و آیه ۲۹ سوره نساء).

۳-۴. مسؤلیت کیفری

در بخش (۵۰۶) قانون حق تالیف آمریکا به صورت کلی مواردی از سوء استفاده از حق تالیف جرم شناخته شده و برای آن جریمه نیز تعیین گردیده است.^۱ یکی از نویسندگان می گوید که علیرغم وجود مقررات جزایی پرونده های کمی در خصوص سوء استفاده از حق تالیف و ادعاهای واهی حق تالیف تشکیل شده است، بدون تعقیب کیفری، مانع یا بازدارنده دیگری در برابر گسترش سوء استفاده از حق تالیف یا تقلب در حق تالیف وجود ندارد (Shoor,2014:510). یکی از نویسندگان دیگر می گوید که مقررات بخش (۵۰۶) قانون حق تالیف که به این موضوع می پردازد فقط در حد پارس کردن است تا گاز گرفتن. از نظر ایشان چون برای اثبات چنین جرمی باید هم آگاهی و هم قصد سوء استفاده کننده اثبات شود، لذا اثبات آن امر دشواری است. به علاوه در دعاوی مدنی سوء استفاده از حق تالیف جریمه کمتری، در مقایسه با نقض حق تالیف، پرداخت می شود و از این جهت تعقیب مدنی بازدارندگی لازم را ندارد. نکته مهمتر این که این دو بند بخش (۵۰۶) به اشخاص خصوصی حق شکایت نمی دهد و چون تعقیب خاطی به دولت واگذار شده است تقریباً این مقررات اجرا نمی شوند (Mazzone,2006: 1036-1038). کنگره همان طور که اجازه داده است که در زمینه سوء استفاده از حق اختراع، اشخاص خصوصی بتوانند متخلفین را تعقیب کنند، باید در زمینه سوء استفاده از حق تالیف نیز این اجازه به اشخاص داده شود (Mazzone, 2006:1080,1094-1095).

ماده (۲۶) قانون حمایت مقرر می دارد که: "نسبت به متخلفان از مواد (۱۷) تا (۲۰) این قانون در مواردی که بسبب سپری شدن مدت حق پدیدآورنده استفاده از اثر، با رعایت مقررات این قانون، برای همگان آزاد است، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عنوان شاکی خصوصی را خواهد داشت". مطابق این ماده نسبت به متخلفان از مواد (۱۷) تا (۲۰)، وزارت



۱ مطابق ماده ۵۰۶ (پاراگرافهای (c) و (e)) قانون حق تالیف آمریکا برای کسانی که با قصد متقلبانه ادعای حق تالیف نسبت به اثری را می نمایند و یا آن را برای ثبت حق تالیف ارائه می دهند، جریمه نقدی تعیین گردیده است.



فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان شاکی خصوصی وارد عمل خواهد شد.^۱ شکایت مذکور در این ماده با توجه به کلمه شکایت^۲ و ماده (۲۸) این قانون جنبه کیفری دارد. گرچه مطابق ماده مذکور، وزارت ارشاد حق شکایت علیه متخلفان را، دارد اما این قانون در خصوص سوء استفاده از حق تألیف ساکت است و با تحقیقی که به عمل آمد پرونده ای نیز در این خصوص تشکیل نشده است.

به علاوه، وقتی اثری وارد حوزه عمومی شد به عموم مردم تعلق دارد و هرکسی حق دارد پس از ورود اثر به حوزه عمومی از آن استفاده رایگان داشته باشد. بنابراین، اگر اثر مذکور مورد سوء استفاده قرار گیرد، باید امکان اقامه دعوا برای آحاد مردم علیه سوء استفاده کنندگان نیز وجود داشته باشد. البته چون همه مردم ذینفع هستند شاید بتوان گفت که حق اقامه دعوا در حال حاضر نیز وجود دارد ولی این مطلب به صورت صریح در قانون حمایت نیامده است. اقامه دعوا توسط اشخاص خصوصی می تواند بازدارندگی خوبی در برابر سوء استفاده کنندگان داشته باشد.^۳

صرف نظر از قانون حمایت ۱۳۴۸، باید دید که سوء استفاده از حق تألیف با چه عنوان مجرمانه ای در حقوق ایران انطباق دارد.

۱. از طرف دیگر ماده (۳۱) همین قانون بیانگر این امر است که تعقیب قضایی با شکایت شاکی خصوصی شروع و باگذشت او موقوف خواهد شد. اگر به ظاهر این ماده اکتفا شود این گونه به نظر می رسد که زمانی که وزارت فرهنگ نیز به عنوان شاکی خصوصی اقامه دعوی کند، اگر از شکایت صرف نظر کند، دعوی متوقف خواهد شد. البته چنین استدلالی صحیح به نظر نمی رسد. زمانیکه اثری وارد حوزه عمومی شده است و کسی از آن سوء استفاده می کند از حق عامه مردم سوء استفاده شده است و به عبارتی بحث منافع جامعه و حق الناس در میان است. بر این اساس اگر وزارت ارشاد اقامه دعوی کرد، امکان صرف نظر کردن از دعوی و پایان یافتن آن قبل از صدور حکم قطعی نباید وجود داشته باشد و به عبارت دیگر مطابق ماده (۱۳) قانون آئین دادرسی کیفری از جرائم قابل گذشت نباشد. به علاوه، قانونگذار نیز باید اقامه دعوی بدون گذشت را از طرف وزارت ارشاد در قانون حمایت بگنجانند.

۲. ماده (۱۱) قانون آئین دادرسی کیفری مقرر می دارد که تعقیب متهم و اقامه دعوا از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوا و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است.

۳. گر چه بعید است بعضی از افراد به دلیل قلت میزان ضرروزیان بالا باشد، می تواند انگیزه خوبی برای اقامه دعوا باشد و یا این که شخص به خاطر تعصبی که نسبت به اموال وارد شده به حوزه عمومی دارد اقدام به اقامه دعوا کند.





ماده (۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف جرم می گوید: "هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود". مطابق با این ماده زمانی می توان شخص را به دلیل انجام و یا ترک یک فعل مستحق مجازات و در نتیجه دارای مسئولیت کیفری دانست که بر اساس قانون آن فعل، خواه مثبت و یا منفی، ممنوع بوده و هم چنین برای آن مجازات تعیین شده باشد. برای اینکه شخصی از جنبه کیفری مسئول شناخته شود، علاوه بر شروط دیگر (عنصر روانی و مادی) باید انجام فعلی و یا ترک آن از لحاظ قانونی ممنوع و قابل مجازات باشد (وجود عنصر قانونی) (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۵۳ و ۷۴).

واقعیت این است که سوء استفاده از حق تألیف از لحاظ قانونی (تحت این عنوان)، جرم شناخته نشده است. بنابراین شخصی که مرتکب سوء استفاده از حق تألیف شده است را نمی توان تحت این عنوان دارای مسئولیت کیفری دانست. این موضوع نگران کننده است، چراکه نبود مسئولیت کیفری موجب آسودگی خاطر افراد سوء استفاده کننده خواهد شد و خود این امر زمینه توسعه این پدیده را بیش از پیش فراهم خواهد آورد. به همین دلیل قانون گذار باید به این پدیده توجه جدی به عمل آورده و چنین سوء استفاده ای را جرم تلقی نماید. با وجود این نکته و توجه به این امر که بهتر است برای اعمال مجرمانه به صورت مشخص عنوان خاص تعیین شود و از طرح عناوین کلی کیفری حتی المقدور خودداری شود، شاید بتوان با استناد به عنوان تحصیل مال از طریق غیر مشروع که در ماده دو قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری به آن اشاره شده، با سوء استفاده از حق تألیف مقابله کرد.

مطابق با ماده (۲) قانون مذکور هر گاه شخصی "مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است، مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد". اگر سوء استفاده کننده از حق تألیف خود را مالک آثاری که وارد حوزه عمومی شده اند بدانند و از ناآگاهی دیگران برای کسب مال استفاده کند، روش تحصیل





مال به دست آمده از این راه غیرمشروع است و منافی که از این راه به دست می آورد از طریق غیرمشروع به دست آمده و تجارت مبتنی بر تراضی تلقی نمی گردد. ذکر این نکته نیز ضروری است که برای مجرمانه دانستن عمل سوء استفاده کننده تحت عنوان تحصیل مال از طریق غیرمشروع باید همه ارکان جرم تحقق یافته باشد.

۴. تمهیدات قانونی و اداری برای جلوگیری از سوء استفاده از حق تألیف

باید این مسأله را مدنظر قرار داد که مسؤولیت مدنی و کیفری تنها روش های پیشگیری و مقابله با سوء استفاده از حق تألیف نیست. طرق دیگری نیز وجود دارد که برای مقابله با این پدیده و کاهش انگیزه سوء استفاده کنندگان، در صورت توجه قانونگذار و دولت، می توانند سودمند واقع شوند.

حد اقل به چهار طریق اداری می توان تا حد زیادی از سوء استفاده از حق تألیف جلوگیری کرد:

۱-۴. یکی از تمهیدات مفید برای جلوگیری از سوء استفاده از حق تألیف، طراحی نمادی مانند (PD) یا معادل آن به الفبای فارسی برای حمایت از حوزه عمومی است (Mazzone, 2006: 1091). مطابق با پاراگراف دوم از ماده پنج^۱ کنوانسیون برن^۲ برای حمایت از یک اثر هیچ تشریفات خاصی لازم نیست و اثر به صورت خودکار از حمایت برخوردار خواهد بود. باین حال بر اساس ماده (۳)^۳ کنوانسیون جهانی حق تألیف ۱۹۵۲، تنها از آثاری حمایت خواهد شد که نشان ویژه حق تألیف را بر روی آثار خود درج کرده باشند. این نشان حرف C است که در یک دایره قرار گرفته و پس از آن نام دارنده حق و سال انتشار درج می شود. بنابراین، چنانچه نمادی مخصوص در خصوص آثاری که وارد

1 . The enjoyment and the exercise of these rights shall not be subject to any formality; such enjoyment and such exercise shall be independent of the existence of protection in the country of origin of the work...

2 . Berne Convention.

3 . with the authority of the author or other copyright proprietor bear the symbol © accompanied by the name of the copyright proprietor and the year of first publication.

4 Universal Copyright Convention.





حوزه عمومی شده‌اند طراحی شود و استفاده از آن بر روی این آثار توسط ناشران ضروری دانسته شود، مسیر بسیاری از سوء استفاده‌ها مسدود خواهد شد.

۴-۲. طریق دیگر ایجاد فهرستی از آثار مربوط به حوزه عمومی است (Mazzone, 2006: 1072, 1090). این فهرست باید آثاری را که اکنون مدت حمایتشان پایان یافته مشخص کرده و به صورت مستمر به روز شود، به این معنا که آثار مورد حمایت پیوسته توسط نهادی خاص رصد شده و به محض پایان مدت حمایت، وارد این فهرست شود. در ضمن این فهرست باید به روش‌های مختلف برای مشاهده عموم مردم در دسترس باشد. چنانچه این مورد عملی شود می‌توان گفت که بسیاری از مشکلاتی که از این سوء استفاده ناشی می‌شود از بین خواهد رفت.

۴-۳. باید اصل را بر این گذاشت که تمام منابع در حوزه عمومی است مگر این که خلاف آن ثابت شود در حالی که اصل بر بودن حق تألیف است (Mazzone, 2006: 1090-1092).

۴-۴. باید دولت نهادی را برای حمایت از حوزه عمومی تاسیس نماید تا در برابر سوء استفاده از حق تألیف بتواند با آن مقابله کند (Mazzone, 2006: 1093).

نتیجه‌گیری

سوء استفاده از حق تألیف پدیده‌ای نوظهور و رو به گسترش است. این سوء استفاده ممکن است به یکی از اشکال (۱) انتشار مجدد آثار وارد شده به حوزه عمومی با ادعای حق تألیف، (۲) اعمال محدودیت فرا قانونی، (۳) ادعای مالکیت حق تألیف به خاطر مالکیت نسخه‌ها یا آرشیوها و (۴) تغییر شکل اثر تحقق یابد. پدیده سوء استفاده از حق تألیف می‌تواند تبعات اقتصادی منفی به دنبال داشته و بر رشد و توسعه علم تأثیر منفی بگذارد.

اگرچه ایران در حال حاضر در هیچ‌یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی در حوزه حمایت از حق تألیف عضویت ندارد و در نتیجه آن‌چنان که باید قوانین داخلی حتی از آثاری که مدت حمایت‌شان پایان نیافته، حمایت کافی به عمل نمی‌آورد، ولی چنانچه ایران به





عضویت سازمان تجارت جهانی درآید یکی از پیش شرط‌های این چنین عضویتی وضع قوانینی دقیق در عرصه حمایت مالکیت فکری از جمله حق تالیف و جوانب مختلف آن است.

تازمانی که قانون‌گذار به این پدیده واکنش نشان نداده است (چنانکه در لایحه حمایت از مالکیت فکری نیز پیش بینی نشده)، به نظر می‌رسد که تنها روش عملی برای اقدام علیه سوء استفاده کننده از حق تالیف، استفاده از مسؤولیت مدنی و داراشدن غیر عادلانه است. اما بهترین روش برای از بین بردن حاشیه امن سوء استفاده کنندگان، پیش‌بینی مسؤولیت کیفری است که قانون‌گذار حتماً باید آن را در قانون حمایت بگنجانند و پدیده سوء استفاده از حق تالیف را به صورت صریح جرم انگاری کند. اجازه شکایت به اشخاص خصوصی، ایجاد فهرستی از آثار حوزه عمومی که پیوسته به‌روز شود و نیز طراحی نمادی برای معرفی این آثار نیز بسیار سودمند است. با به کارگیری این روش‌ها می‌توان نسبت به کاهش پدیده سوء استفاده از حق تالیف امیدوار بود.

منابع

- ۱) اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۲ش، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، ج ۲.
- ۲) اصفهانی، راغب، ۱۴۲۹ق، مفردات الفاظ القرآن، قم، طلیعه النور.
- ۳) امامی، سید حسن، ۱۳۵۱ش، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ج ۱.
- ۴) انصاری، مرتضی، ۱۴۲۵ق، کتاب المکاسب، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ج ۷، ج ۳.
- ۵) صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب الله، ۱۳۹۱ش، مسؤولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران، سمت، ج ۳.
- ۶) طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۲.
- ۷) طریحی، فخرالدین، بی تا، مجمع البحرین، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الشرعیه، ج ۵.





- ۸) کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۵ش، الزام های خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی، تهران، دانشگاه تهران، چ ۱۴، ج ۱.
- ۹) کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۴ش، الزام های خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی، تهران، دانشگاه تهران، چ ۱۲، ج ۲.
- ۱۰) کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۱ش، حقوق مدنی: معاملات معوض- عقود تملیکی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۸.
- ۱۱) کاشانی، فیض، ۱۳۹۳ش، تفسیر الصافی، قم، ذوی القربی، ج ۱.
- ۱۲) مراغی، میر عبدالفتاح الحسینی، ۱۴۱۸ق، العناوین، قم، موسسه النشر الاسلامی، ج ۲.
- ۱۳) مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷ش، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ج ۱.
- ۱۴) مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۳ش، القواعد الفقهیة، قم، دارالنشر الامام علی بن ابیطالب، چ ۵، ج ۱.
- ۱۵) موسوی الخلیلی، سید مرتضی، ۱۳۷۶ش، قاعده لاضرر ولاضرار: تقریرات ابحات المحقق الکبیر آیه الله العظمی الشیخ ضیاء الدین العراقی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
- ۱۶) نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ۱۹۷۱م، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۷، ج ۲۲.
17. Deazely, R. (2006): Rethinking Copyright: History, Theory, Language, UK, Cheltenham, Edward Elgar.
18. Frischmann, B. and Moylan, D., "The Evolving Common Law Doctrine of Copyright Misuse: A Unified Theory and its Application to Software", in (2000) 15 Berkeley Technology Law Journal.
19. Garner, B.A. (2004): Black's Law Dictionary, Eighth Edition, MN (US), Thomson West.
20. Hamilton, M.A. (1996): "Copyright Duration Extension and the Dark Heart of Copyright", in (1996) 14 Cardozo Arts & Entertainment.
21. Judge K. (2004): "Note: Rethinking Copyright Misuse", in (2004) 57 Stanford Law Review.



22. Lange, D., "Reimagining the Public Domain", in (2003) 66 Law & Contemporary Problems.
23. Mazzone, Jason (2006): "Copyfraud", in (2006) 81 New York University Law Review.
24. Patry, W.F. and Posner, R.A., "Fair Use and Statutory Reform in the Wake of Eldred", in (2004) 92 California Law Review.
25. Shoor, E.A., "Narrowing the Right to be forgotten: Why the European Union Needs to Amend the Proposed Data Protection Regulation", in (2014) 39 Brooklyn Journal of International Law.
26. Tadlock, C., "Copyright Misuses, Fair Use, and Abuse: How Sports and Media Companies are Overreaching their Copyright Protections", in (2008) 7 The John Marshall Review of Intellectual Property Law.
27. Twigg, M., "Copyright Misuse: Protecting Copyright in Canada from Overreach and Abuse", in (2012) 21 Dalhousie Journal of Legal Studies.
28. Torremance, P. (2007): Copyright Law: A Handbook of Contemporary Research, UK, Cheltenham, Edward Elgar.
- 29: Vaver, David,(2002): Principles of Copyright: Cases and Materials, Geneva, World Intellectual Property Organization.

